

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بنیامین پوپوف
برگردان: م. قربانی
۲۴ اگست ۲۰۲۳

مبارزه غرب برای حفظ هژمونی رو به زوال خود



اکنون تلاش‌های کشورهای غربی برای حفظ برتری رو به زوال خود عمدتاً بر تلافی‌جویی علیه اقدامات بزرگترین رقبایشان، روسیه و چین متمرکز شده است.

در عین حال، آن‌ها مشتاق ایجاد الگوی نظم جهانی جدیدی هستند که بتوانند بر آن تسلط داشته باشند. از این‌رو، آن‌ها ایده کنترل جمعیت و تشکیل یک «دولت جهانی» را بشدت رواج می‌دهند.

جمعیت‌شناسی جهان در حال تغییر و تحول است: جمعیت اروپا و چین در حال کوچک شدن است، هند کشوری بسیار جوان‌تر، به عنوان پر جمعیت‌ترین قدرت در حال پیشی گرفتن از آن‌هاست.

در کمال شگفتی، نرخ رشد جمعیت (در جهان) در حال کاهش است. برای نمونه، نرخ باروری در کنیا به طور شدیدی در ۵۰ سال گذشته کاهش یافته است؛ زنان در سال گذشته تنها سه فرزند داشته‌اند، در مقایسه با متوسط هشت فرزند در ۵۰ سال پیش.

نرخ باروری در کشورهای جنوب صحرای آفریقا حتی با سرعت بیشتری از آنچه سازمان ملل متحد پیش‌بینی می‌کرد در حال کاهش است. انتظار می‌رود شمار افراد در سن کار در کوریای جنوبی و ایتالیا، دو تا از قدیمی‌ترین کشورهای، تا سال ۲۰۵۰، به ترتیب، به ۱۳ میلیون و ۱۰ میلیون تقلیل یابد.

در چنین شرایطی، کشورهای در حال توسعه برای بازتوزیع درآمد جهانی، تأمین منابع بیشتر برای نیازهای رشد اقتصادی و اجتناب از اقدامات یک جانبه‌ای که تجارت جهانی را مختل می‌کند، به صورت تهاجمی به اعمال فشار دست

می‌زنند. رئیس‌جمهور مصر، عبدالفتاح السیسی در پنجمین جلسه هماهنگی نیمه سالانه وحدت افریقا اظهار نظر قابل توجهی در این زمینه کرد.

روزنامه مصری الاهرام به خصوص در این باره در ۶ جون ۲۰۲۳ نوشت، آنچه سوءظن کشورهای جنوب جهانی را برانگیخت به «طرح‌های نابودی مردم از راه جنگ بیولوژیک و تلاش‌های غرب برای استعمار بقیه جهان به عنوان مقدمه‌ای برای تحت کنترل در آوردن آن از سوی نخبگان ثروتمند، ارتباط دارد.»

بر اساس گزارشی که در ژورنال بین‌المللی «اکولوژی» زیر عنوان قطبی شدن ستراتیژی‌های زیست‌محیطی در توسعه پایدار زیست کره و انسان: افسانه یا واقعیت مفهوم میلیارد پلانی؟، این تئوری بر اساس کمبود روزافزون منابع در کشورهای در حال توسعه و نیازهای رو به رشد نخبگان حاکم در نظم نوین جهانی تحت سلطه غرب همراه است.

این فرضیه عمدتاً بر پایه اظهارات افرادی مثل بیل گیتس، تاجر امریکائی و بنیانگذار مایکروسافت بنا شده است. روزنامه یو اس ای تودی، در جنوری گذشته نوشت که بیل گیتس در طرح کاهش جمعیت کره زمین دخالت دارد. مبنای این نتیجه‌گیری مقاله‌ای بود که در یک روزنامه ایرلندی، زیر عنوان کاهش جمعیت با واکسیناسیون اجباری: راه حل کرین صفر! در سال ۲۰۱۱ به چاپ رسید. مقاله از قول گیتس می‌گوید جمعیت جهان «به حدود ۹ میلیارد نفر خواهد رسید. حال اگر ما کارمان را واقعاً نسبت به واکسین‌های جدید، مراقبت‌های پزشکی، خدمات سلامت و خدمات بهداشت باروری خوب انجام دهیم، شاید بتوانیم آن را به میزان ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش دهیم.»

(اتفاقاً، بنیاد گیتس رسماً انسیتوت بیل و ملیندا گیتس برای سلامت جمعیت و باروری نامیده می‌شود.)

ژورنالیست انگلیس گیدون راکمن در اکتوبر گذشته در وبسایت فایننشیال تایمز مقاله‌ای با عنوان وقتی طرفداران تئوری توطئه کشورها را اداره می‌کنند، چاپ کرد، که در آن می‌گوید نظریه‌پردازان توطئه، خیابان را ترک کرده و حالا حتی به سران دولت‌ها تبدیل شده‌اند. نویسنده از نخست‌وزیر ایتالیا جیورجیا ملونی برای به تصویر کشیدن کسی که به تئوری «جایگزین بزرگ» باور دارد نام می‌برد، کسی که معتقد است مهاجرت تلاشی است که برای تضعیف فرهنگ مسیحیان در اروپا ترویج می‌شود. هدف این جایگزینی «بزرگ» تقلیل دادن اروپائی‌ها به «برندگان» و مشتریانی است که فاقد هویت جنسیتی و ملی هستند.

شاید جا دارد به سخنان رئیس‌جمهور روسیه ولادیمیر پوتین در فوروم «آی‌ده‌های نیرومند برای دوران نوین» استناد کنیم که «میلیارد پلانی» به دنبال آنست که بر دیگران تسلط داشته باشد و قوانین خود را بر آنان تحمیل کند: این نظریه بر اساس توهم انحصارطلبی، مردم را به درجه یک و درجه دو تقسیم می‌کند و بنابراین ذاتاً نژادپرست و نو استعماری است. زیربنای چند ملیتی و فلسفه ظاهراً لیبرال آن بیش از پیش به استبداد شبیه است و خلاقیت آزاد تاریخی را سرکوب می‌کند. از آنجا که رونق غرب به طور تاریخی از غارت منابع مردم آسیا، افریقا و امریکای لاتین حاصل شده است، نمی‌تواند الگوی مناسبی برای زندگی آینده انسان باشد. به علاوه بسیاری از ناظران معتقدند که نخبگان کشورهای غربی به دلیل نگرانی درباره منابع زمین تلاش می‌کنند با تشویق همجنسگرائی شمار جمعیت کره زمین را کاهش دهند.

به زعم سیاست‌مدار مصری تبار کانادائی، غاده ملک، دلایل معتبری برای نظریه «میلیارد پلانی» وجود دارد. او ما را به بنای یادبودی که در سال ۱۹۸۰ در ایالت جورجیای امریکا ساخته شد، ارجاع می‌دهد. روی این قطعه سنگ یادبود ۱۰ فرمان جدید حک و به چند زبان ترجمه شده است. یکی از این فرامین کاهش جمعیت جهان به ۵۰۰ میلیون نفر است.

مجمع جهانی اقتصاد فعالانه این نظریه را دنبال می‌کند که سیاره ما قادر نیست جمعیت موجود جهان را تأمین کند. و اکنون از مشکلات سلامت و تغییرات آب و هوایی به عنوان تاکتیک‌های هراسناک برای متقاعد کردن مردم به پذیرش چنین مفاهیمی سوءاستفاده می‌کنند.

نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، رابرت اف کندی جونیور، برادرزاده جان اف کندی، گفت کووید-۱۹ قومیت را هدف گرفته بود و می‌خواست «سیاهان، رنگین و سفیدپوستان» را مورد حمله قرار دهد. طبق مطالعه دانشگاه آکسفورد که در اورشلیم پست اسرائیل در ماه جولای چاپ شد، «تقریباً ۲۰ درصد بزرگسالان در انگلستان باور دارند که یهودی‌ها برای سودجویی مالی ویروس کرونا را به وجود آورده اند.»

امروز شمار کمی از مردم گزارش سالگرد **باشگاه** رُم در سال ۲۰۱۷ با عنوان «سرمایه‌داری، نزدیک‌بینی، جمعیت و تخریب سیاره» را به خاطر می‌آورند. گزارش شامل انتقاد شدید از سرمایه‌داری، رد سفته‌بازی مالی، رد ماتریالیسم و درک ساده‌انگارانه از جهان، و فراخوانی برای یک اقتصاد جایگزین، و یک تمدن سیاره‌ئی متحد و هماهنگ بود.

گزارش، همراه با تعمیم‌های سازنده جدید به روشنی به این نتیجه رسید که رشد جمعیت باید متوقف شود. پروفیسور کلاوس شواب، رئیس اجرایی **مجمع جهانی اقتصاد**، در سال ۲۰۲۰ مقاله‌ای با عنوان «تنظیم مجدد بزرگ» نوشت تا این مفاهیم را تشریح کند. مقاله مملو از هشدارهایی است درباره مشکلات خطیری مانند بحران محیط زیست که بشر به زودی با آن‌ها روبه‌رو خواهد بود، از بین رفتن منابع طبیعی و فاجعه‌های اقلیمی. و این‌که یک رهبری جهانی مؤثر برای رویارویی با این دشواری‌ها ضروری است. به زبان ساده، خواستار یک حکومت جهانی و یک دولت جهانی است. گروهی از نخبگان، کمتر از ۱٪ از بشریت، این دولت را تشکیل خواهند داد. بقیه ۹۹٪ جمعیت از طریق تعدادی از شرکت‌های جهانی تحت نظارت دولت جهانی خواهند بود. «فرمانبران»، که اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند، در اردوگاه کار اجباری کامپیوتری کار خواهند کرد. بزرگترین شرکت‌های چند ملیتی بیش‌ترین مسؤولیت‌های اجتماعی را به عهده خواهند گرفت؛ آن‌ها در امور جامعه دخالت خواهند کرد و به نفع همه کار خواهند کرد.

آنتونیو گوترش در تازمترین توصیه‌های خود برای آینده سازمان ملل متحد نیز از سپردن امور بین‌الملل به بزرگترین و ثروتمندترین شرکت‌های فراملیتی حمایت می‌کند.

گوترش، گزارش مجمع عمومی خود را با عنوان، **دستور کار مشترک ما** ارائه می‌دهد و به بازیگران شرکت‌های بزرگی که ما را به آستانه فاجعه محیط زیستی سوق می‌دهند و باید به این خاطر سرزنش شوند، به جای افزایش دسترسی به سیستم سازمان ملل به مردمی که از تأثیرات بحران‌های امروزی رنج می‌برند، نفوذ و قدرت بیشتری می‌بخشد. پیشنهادات وی باعث می‌شود شرکت‌ها در رهبری جهانی تأثیرگذارتر شوند.

در نتیجه، پیشنهاد شده است تشکیل نهادهای تحت رهبری شرکت‌ها، نفوذ دولت‌های ملی در سازمان ملل متحد را کاهش دهد، تصمیم‌گیری‌های بیشتری را به عهده بگیرد و همه چیز را - از اقیانوس‌ها تا بازارهای مالی - کنترل کند. استدلال آنان با جزئیات اینست که دولت-ملت‌ها و حکومت‌ها به تنهایی قادر نیستند مسایل اساسی مدیریت جهانی را حل کنند و سایر بازیگران باید در آن دخالت کنند.

در سوم اگست امسال، محقق امریکائی هریس گلکمن مقاله‌ای در وبسایت شبکه الجزیره منتشر کرد و خطوط کلی وضعیت نمایندگی جنوب جهانی در سازمان ملل متحد را تشریح کرد و نشان داد که چگونه کشورهای جنوب جهانی که از سوی گروه ۷۷ نمایندگی می‌شوند، با این مأموریت خطرناک برای اصلاح دستور کار جدید سازمان ملل متحد مخالفت می‌ورزند.

کشورهای غربی برای حفظ سلطه «میلیارد طلائی» از هیچ چیز فروگذار نخواهند کرد. آنها با ادعای اصلاح سازمان ملل متحد، از مقام مدیرکل سازمان ملل متحد برای تقویت موقعیت خود استفاده می‌کنند. آنان این کار را برای جلوگیری از تغییر ساختار قدرت جهانی به سود جنوب جهانی، یا کشورهای غیر-غربی انجام می‌دهند. از آنجائی که روشن است که غرب موضع خود را تغییر نخواهد داد، کشورهای در حال توسعه باید تلاش برای حفظ منافع ملی خود را افزایش دهند.

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک

منتشر شده در تاریخ: ۱۶ اگست ۲۰۲۳